



تأثیرات قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴ بر مواعد قانونی

مندرج در لایحه قانونی تجارت ۱۳۴۷

محمدحامد قنبری^۱، محمد عیسائی تفرشی^{۲*}

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. استاد دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۷

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸

چکیده

مفاد لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ تحت تأثیر قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ در حوزه مواعد قانونی در رابطه با مقررات شرکت‌های سهامی عام که به‌عنوان یکی از عناصر مهم در بازار بورس اوراق بهادار وجود دارد، دچار تغییراتی شده است که این موارد، در دو دسته تأسیسی و نسخ‌کننده در پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار گرفته است. موارد تأسیسی شامل مواردی است که از اساس، موعدی برای آن در لایحه قانونی ۱۳۴۷ وضع نشده و برای نخستین بار در قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴ مورد توجه قرار گرفته است و موارد نسخ‌کننده، آن دسته از مواعد است که در لایحه قانونی ۱۳۴۷ زمان مشخصی برای آن در نظر گرفته شده که با تصویب قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴، منسوخ شده است. فلسفه تأثیرات فوق را چه در عرصه تأسیس و چه نسخ، می‌توان در هدف قانون‌گذار برای حمایت از حقوق سهامدار و شفافیت اطلاعات بازار سرمایه جستجو کرد. تعیین مدت پذیرهنویسی، تعیین مدت جهت باز پس دادن وجوه، مدت‌زمان رسیدگی به تعهدات پذیرهنویسان، تغییر زمان استفاده از وجوه تأدیه شده توسط سرمایه‌گذاران، تغییر زمان بازپس‌گیری وجوه در صورت عدم افزایش سرمایه، تغییر مدت رسیدگی هیئت‌مدیره به تعهدات پذیرهنویسان و تعیین مدت جهت افساء تصمیمات هیئت‌مدیره، مواعد مورد مطالعه این پژوهش است.

واژگان کلیدی: بورس اوراق بهادار، شرکت سهامی عام، قانون بازار، لایحه قانونی، مواعد قانونی، نسخ برخی مواد لایحه قانونی.

E-mail: tafreshi@modares.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:





۱. مقدمه

وابستگی و گره خوردن دو نهاد شرکت‌های سهامی عام و بازار سرمایه به یکدیگر به دلیل وجود اهداف مشترک مانند تأمین مالی، باعث وقوع تأثیرات بازار سرمایه بر شرکت‌های سهامی عام شده است که برای مطالعه در خصوص موضوع مذکور، دو قانون اصلی «قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴» و «لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷»^۱ مورد واکاوی است. توضیح آنکه، بازار سرمایه، به‌عنوان محل تلاقی دو عنصر سرمایه‌گذار خرد و سرمایه‌پذیر می‌بایست دارای شفافیت باشد و همچنین به‌عنوان نهاد حاکم، سعی در ایجاد توازن در میان دو طرف نماید. قانون‌گذار در ماده ۲ ق. ب، هدف از شکل‌گیری سازکار بازار سرمایه با محوریت بورس را حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، شفافیت بازار و نظارت بر حسن اجرای کار دانسته است. این هدف را می‌توان در سراسر قانون به‌عنوان چراغی برای درک فلسفه و هدف قانون‌گذار در نظر گرفت.

با توجه به اهداف تعیین‌شده، قوانین و مقررات بازار سرمایه در عرصه عمل باعث تغییر و در عرصه قانون‌گذاری باعث نسخ موادی از ل. ا. ق. ت. شده است. یکی از تغییرات مهمی که با تصویب ق. ب، مقررات مربوط به لایحه قانونی مصوب ۱۳۴۷ را دچار تغییراتی نمود، مواعد قانونی است که یا پیش از این در لایحه مشخص شده و یا اینکه از اساس موعدی تعیین نشده بود و ق. ب. آن مواعد را وضع نموده است. دلیل عمده این موارد را می‌توان در ذات حمایت‌گری بازار سرمایه از سرمایه‌گذاران خرد پیدا کرد؛ توضیح آنکه مواعد باعث شفافیت معاملات و نحوه سرمایه‌گذاری می‌شود که این موضوع در نهایت به نفع مشتریان است.

منظور از مواعد، مدت‌زمانی است که در طول آن عملی باید انجام شود (شمس،

۱. از این پس به اختصار: ق. ب.

۲. از این پس به اختصار: ل. ا. ق. ت.



۱۳۹۴، ج ۲، ص ۷۱). بر خلاف قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری، مواعد قضایی در خصوص حقوق تجارت، صدق نمی‌نماید و تمامی مواعد به صورت قانونی مشخص خواهند شد. سیر تغییرات مواعد در دو دسته مطالعه می‌گیرد که دسته اول شامل مواردی است که از پیش در لایحه قانونی، برای آن‌ها موعدی تعیین نشده بود و برای نخستین بار در قانون بازار، این موضوع به تحقق پیوست که عنوان «مواعد تأسیسی» برای آن برگزیده شده است و دسته دوم شامل مواردی است که در لایحه قانونی برای شان، موعد تعیین شده ولی توسط قانون بازار، تغییر یافته است که برای این دسته، عنوان «مواعد نسخ‌کننده» انتخاب شده است.

دسته نخست «مواعد تأسیسی» در موارد ذیل خلاصه شده است:

- ۱-۲. تعیین مدت پذیرهنویسی و مراجعه پذیرهنویسان به بانک
- ۲-۲. تعیین رویه جهت باز پس دادن وجوه سرمایه‌گذاران.
- ۲-۳. تعیین مدت زمان افشاء اطلاعات هیئت‌مدیره.
- و دسته دوم، «مواعد نسخ‌کننده» را در سرفصل‌های زیر مورد مطالعه قرار می‌گیرد:
- ۱-۳. مدت زمان رسیدگی به تعهدات پذیرهنویسان.
- ۲-۳. تغییر زمان استفاده از وجوه تأدیه شده توسط سرمایه‌گذاران.
- ۳-۳. تغییر زمان بازپس‌گیری وجوه در صورت عدم افزایش سرمایه.
- ۴-۳. تغییر مدت رسیدگی هیئت‌مدیره به تعهدات پذیرهنویسان.
- در این پژوهش سعی بر آن است که با نگاهی تحلیلی موارد مذکور را از دید منطق وجود شرکت‌های سهامی عام و فلسفه تشکیل بازار سرمایه و قوانین بورسی، مورد بررسی قرار گیرد.

۲. مواعد تأسیسی

- ۱-۲. تعیین مدت پذیرهنویسی و مراجعه پذیرهنویسان به بانک
- هم‌زمان با اخذ تأییدیه سازمان بورس اوراق بهادار و همچنین مجوز ثبت شرکت‌ها،



مؤسسين اقدام به انتشار اعلاميه پذيرهنويسی شرکت می‌نمایند و این بدان معناست که سرمایه‌گذاران می‌توانند با امضاء ورقه تعهد سهم، در نقش سهام‌دار از فعالیت‌های تجاری شرکت، منتفع یا متضرر گردند. این اقدام را در مراحل تشکیل شرکت، پذیرهنويسی یاد می‌کنند و در اقدامات مقدماتی تشکیل شرکت، نقش بسیار مهمی دارد. درواقع ناشران اوراق بهادار با دو هدف به متعهد پذیرهنويسی مراجعه می‌کنند: هدف اول دریافت تضمین برای فروش اوراق بهادار است، تا بر اساس آن بتوانند نسبت به فروش آتی سهام خود اطمینان یابند؛ هدف دیگر ایشان نیز تسهیل یافتن خریدار برای اوراق بهادار است و از این حیث متعهد پذیرهنويسی به‌گونه‌ای نقش واسطه‌ای ناشر و سرمایه‌گذار را نیز ایفا می‌کند. (نوروزی، شمس الهی، ۱۴۰۰: ۱۲۵) پذیرهنويسی را می‌توان قراردادی دانست که در قالب یک عمل حقوقی میان سرمایه‌پذیران و سرمایه‌گذاران تبلور می‌یابد. ماهیت حقوقی آن را می‌بایست نمایش قبول در قبال ایجاب سرمایه‌پذیرانی دانست که سهام شرکت خود را عرضه نموده‌اند؛ باین‌همه نمی‌توان صرف ایجاب و قبول و انعقاد قرارداد را تشکیل‌دهنده شرکت سهامی عام دانست. مطابق ماده ۱۷ ل. ا. ق. ت، پس از رسیدگی و احراز پذیرهنويسی کلیه سهام شرکت و تصویب آن، اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت انتخاب‌شده و می‌بایست کتباً قبول سمت بنمایند. مفهوم مخالف بند پایانی این ماده که مقرر داشته: «... از این تاریخ شرکت تشکیل‌شده محسوب می‌شود.» دلیلی است بر اینکه تا این امر محقق نشود، شرکت تشکیل نمی‌گردد. از ماده فوق، مفهوم مخالف دیگری برداشت می‌گردد که برخلاف نظر عده‌ای از اساتید محترم، ثبت شرکت از مصادیق تشکیل آن محسوب نمی‌شود و شرکت‌های سهامی عام در زمان تشکیل، قبل از ثبت در مرجع ثبت شرکت‌ها، دارای شخصیت حقوقی هستند به‌شرط آنکه کلیه مقررات و تشریفات مربوطه را رعایت نموده باشند. (عیسائی تفرشی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۳) باوجود این موضوع، برخی از اساتید گرامی، میان دو مفهوم «تأسیس» و «تشکیل» تفاوت قائل شده‌اند و معتقدند اگرچه شرکت‌های سهامی عام، تا پیش از ثبت چنانچه تشریفات



مزبور را رعایت نموده باشند، تشکیل شده محسوب می‌شوند؛ ولی تأسیس آن‌ها منوط به طی تشریفات سازمان بورس اوراق بهادار و مرجع ثبت شرکت‌ها است. گواه این مدعا، آن است که قانون‌گذار برای این‌گونه شرکت‌ها، عبارت تشکیل و برای شرکت‌های سهامی خاص عبارت تأسیس را به کار برده با این تفاوت که تأسیس در شرکت‌های سهامی خاص، لزوم ثبت را تصریح نموده است^۱ و می‌توان از آن نتیجه گرفت تأسیس منوط به ثبت است. همچنین لایحه قانونی ۱۳۴۷، اگرچه تشکیل را به کار برده است ولیکن در عمل فعالیت رسمی شرکت‌های سهامی عام را از جمله استفاده از وجوه تأدیه شده به نام شرکت^۲، صدور ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم^۳ منوط به ثبت دانسته و یا در خصوص ضمانت اجرای عدم ثبت شرکت پس از شش ماه که در ماده ۱۹ ل. ا. ق. ت.^۴ آمده است. (همان: ۱۴)

در خصوص ماهیت قراردادی بودن پذیرهنویسی می‌توان به سازکار امضاء ورقه تعهد سهم اشاره نمود که پذیرهنویسان با امضاء آن، ایجاب قبلی مؤسسان را قبول

۱. ماده ۲۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷: برای تأسیس و ثبت شرکت‌های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها کافی خواهد بود.

۲. ماده ۲۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷: استفاده از وجوه تأدیه شده به نام شرکت‌های سهامی در شرف تأسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت و یا در مورد مذکور در ماده ۱۹.

۳. ماده ۲۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷: تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف امضاکنندگان مسئول جبران خسارات اشخاص ثالث خواهند بود.

۴. ماده ۱۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷: در صورتی که شرکت تا شش ماه از تاریخ اظهارنامه مذکور در ماده ۶ این قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هر یک از مؤسسين یا پذیره نویسان مرجع ثبت شرکت‌ها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهی‌نامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تأدیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می‌دارد تا مؤسسين و پذیره نویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه‌ای که برای تأسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد، به عهده مؤسسين خواهد بود.



نموده و نمی‌توانند سپس از آن عدول نمایند. این عقد را با توجه با شرایط آن که در لایحه قانونی ۱۳۴۷ و قوانین و مقررات بورس اوراق بهادار پیش‌بینی شده است، می‌بایست عقدی تشریفاتی دانست و شاید این ذهنیت به وجود آید که تا تمامی تشریفات به عمل نیامده، نمی‌توان قرارداد را پایان پذیرفته دانست و بنابراین هر یک از طرفین اعم از پذیرهنویسان و مؤسسين حق بازگشت دارند ولی در خصوص ورقه تعهد سهم، باید آن را قراردادی تفکیک‌شده از قرارداد شرکت دانست که به پیش‌قرارداد تشکیل شرکت که میان مؤسسان بسته شده است، الحاق می‌گردد. (عرفانی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۴) مستند قانونی در این خصوص، ماده ۱۵ ل. ا. ق. ت. است که مقرر می‌دارد: «امضاء ورقه تعهد سهم به‌خودی‌خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام می‌باشد.»

با نگاه فوق، می‌توان گفت مقررات کلی پذیرهنویسی در قانون بازار اوراق بهادار دست‌نخورده باقی مانده است، ولی به لحاظ برخی تشریفات، قانون بازار اوراق بهادار با ورود به موضوع سعی در نظم بیشتر این عملکرد نموده است. به بیان دیگر، اگرچه سازکار بورس در این خصوص تأثیری که تغییری در موضوع دهد نداشته؛ لیکن با توسعه مقررات اثربخش بوده است. در لایحه قانونی ۱۳۴۷ تعیین مهلت پذیرهنویسان برای امضاء ورقه تعهد سهم و پرداخت وجوه نقد به بانک، بنا بر بند ۱۲ ماده ۹ در اعلامیه پذیرهنویسی قید خواهد شد که این مهلت مطابق نص ماده ۱۶ ل. ا. ق. ت. قابل تمدید است و از اطلاق آن برداشت می‌شود که میزان این مدت توسط مؤسسان می‌تواند به هر تعداد روزی باشد و به بیان دیگر قانون‌گذار حداقل و حداکثری برای موضوع تعیین ننموده است. این موضوع در لایحه قانونی مورد نقد است چرا که موجب به خطر انداختن حقوق کسانی است که تا آن زمان پذیرهنویسی نموده‌اند (سلطانی، ۱۳۹۶: ۴۵۰). در این خصوص قانون بازار اوراق بهادار در تبصره ۱ ماده ۲۳ تعیین مهلت عرضه عمومی اوراق بهادار را بر عهده سازمان بورس نهاده است که این مدت حداکثر سی روز و در فرض تقاضای مؤسسين و احراز نمودن ادله توجیه‌کننده، امکان



تمدید سی روز دیگر نیز برای آن پیش‌بینی شده است. همچنین موضوع دیگری که در اینجا به فراخور سرفصل مطرح می‌گردد آنکه روی دیگر تعیین مهلت پذیره‌نویسی مندرج در تبصره ۱ ماده ۲۳ ق. ب. نسخ ماده ۱۷۸ ل. ا. ق. ت است؛ بدین شرح که طبق ماده ۱۷۸ ل. ا. ق. ت. خریداران سهام ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید معین شده است و حداقل می‌بایست دو ماه باشد، باید به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء نمایند. این موضوع در ق. ب. از نظر قانون‌گذار دور نمانده است و با تبصره مذکور ماده ۲۳ اختیار تعیین مهلت پذیره‌نویسی و مراجعه به بانک را در موعد تأسیس و همچنین در فرض افزایش سرمایه، به سازمان بورس اوراق بهادار واگذار نموده است که این مهلت، همان‌طور که در بالا ذکر شد حداکثر سی روز با حق یکبار تمدید سی‌روزه دیگر خواهد بود.

۲-۲. تعیین رویه جهت باز پس دادن وجوه سرمایه‌گذاران

چنانچه سرمایه‌ای که در طرح اساسنامه و اعلامیه پذیره‌نویسی ذکر شده باشد، نتواند در دوره تعیین‌شده جهت پذیره‌نویسی تکمیل گردد و از میزان پیش‌بینی‌شده کمتر باشد، برای یافتن راه‌حل آن از باب قدیمی‌تر بودن، به مقررات لایحه قانونی ۱۳۴۷ رجوع می‌کنیم. در این خصوص، لایحه قانونی هیچ حکم مصرحی ندارد و تنها می‌توان از مفهوم ضمنی به کار برده شده در مواد ۱۷ و ۷۴ که از «احراز پذیره‌نویسی کلیه سهام شرکت» که می‌بایست توسط مجمع عمومی مؤسس صورت پذیرد و این تکلیف برای مؤسسين در ماده ۱۶ ل. ا. ق. ت. بدین عبارت که: «احراز اینکه تمام سرمایه شرکت صحیحاً تعهد گردیده و اقلاً سی‌وپنج درصد آن پرداخت شده باشد.» دریافت که قانون‌گذار در مبحث تعهد کلیه سهام مذکور در اساسنامه، جدی است و در صورت فقدان هرچند ناچیز آن، می‌بایست از ثبت جلوگیری به عمل آید.

به نظر می‌رسد این شیوه برخورد، بسیار سخت‌گیرانه و غیر منعطف است چراکه حتی این احتمال می‌رود چه‌بسا تنها یک درصد یا کمتر از کل میزان سرمایه مذکور،



تعهد نشده باقی‌مانده باشد و به دور از فلسفه عدالت است که شرکت را غیرقابل تأسیس بدانیم. با توجه به این موضوع، قانون بازار اوراق بهادار دست به توسعه این امر در تبصره ۲ ماده ۲۳ زده است و مقرر نموده که: «نحوه برخورد ناشر در خصوص عدم فروش کامل، در اعلامیه پذیرهنویسی مشخص می‌شود.» با این شیوه، مؤسسان می‌توانند پیش از این اتفاق، از نتایج حاصله جلوگیری نموده و با پیش‌بینی راه‌حل‌های جمعی، بر سر این موضوع توافق نمایند که در صورت کسری سرمایه، چه تصمیمی گرفته شود؛ مانند آنکه شرکت با همان سرمایه موجود دارای حیات گردد.

در فرضی که فرایند عرضه عمومی تکمیل نشده، قاعدتاً سرمایه‌گذاران برای عودت وجوه پرداختی خود نیاز به حمایت دارند و خواهان آن هستند که هر چه زودتر مبالغ را باز پس گرفته و در راه دیگری، از آن استفاده نمایند. چنانچه بخواهیم در این خصوص بر مبنای لایحه قانونی ۱۳۴۷ پیش برویم، باز هم حکم مصرحی نمی‌یابیم و تنها می‌توانیم با برداشت از ماده ۲۲ که دسترسی به حساب را تنها پس از ثبت قابل انجام می‌داند و یا ماده ۱۹ که با ضمانت اجرای خود را وضع می‌نماید، این‌طور برداشت نماییم که با وجود این مقررات، احتمالاً روند بازگشت وجوه پرداختی سرمایه‌گذاران حداقل به میزان شش ماه زمان ببرد؛ که بالطبع می‌تواند با توجه به وضعیت فعلی اقتصاد ایران و نوسانات قیمت، زیان قابل‌توجهی به این دسته از فعالان اقتصادی وارد نماید.

در این خصوص، قانون بازار اوراق بهادار با پیش‌بینی زمان و توسعه قانون‌گذاری در این بحث، دارای اثربخشی بوده است و در تبصره ۴ ماده ۲۳ مقرر داشته: «در صورت عدم تکمیل فرایند عرضه عمومی وجوه گردآوری‌شده باید حداکثر ظرف مدت پانزده روز به سرمایه‌گذاران عودت داده شود.»

۳-۲. مدت زمان افشاء اطلاعات هیئت‌مدیره

در شرکت‌های سهامی عام، برخلاف سهامی خاص بحث افشاء اطلاعات اهمیت پیدا



می‌کند؛ چه در شرکت‌های دسته دوم، تعداد محدود سهام‌داران و مدیریت داخلی خود سهام‌داران، باعث می‌شود تا به‌موقع از مسائل، تغییرات و اسرار شرکت مطلع گردند ولی در شرکت‌های سهامی عام، خصوصاً شرکت‌های ثبت‌شده نزد بورس، این موضوع با جدیت بیشتری مطرح می‌گردد. با تعریف این مسئولیت برای شرکت‌های سهامی عام، شاهد تعیین مدت‌زمان افشاء اطلاعات نیز می‌باشیم؛ موضوعی که مبحث فوق را به پژوهش حاضر مرتبط می‌سازد. در ادامه جهت طرح مواعد قانونی، به صورت مقدماتی توضیحاتی را که برای موضوع لازم می‌باشد، ارائه می‌نماییم.

در خصوص بازارهای سازمان‌یافته و کارای اوراق بهادار یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و پیش‌شرط وجود آن را، انتشار هرگونه اطلاعات مربوط به آن اوراق دانسته‌اند که در قیمت و ارزش‌گذاری و بالطبع در تصمیم سرمایه‌گذاران تأثیرگذار باشد. (صفاریان، ۱۳۸۱: ۱۷) سرمایه‌گذاران در معامله سهام، نسبت به شرکت‌های سرمایه‌پذیر، وضعیت منفعلی دارند چرا که مدیران و سهام‌داران اصلی، همواره در موقعیت برتری از لحاظ سطح دسترسی به اطلاعات کلیدی و بااهمیت شرکت قرار دارند و چه‌بسا پیش از به وجود آمدن تغییرات یا به‌روز شدن اطلاعات، از وجود آن‌ها مطلع باشند که در دسته اطلاعات نهانی می‌گنجد. همان‌طور که در بحث مربوط به قیمت سهام در بازار سرمایه نیز اشاره شد، ارزش اوراق بهادار در بورس، متأثر از اتفاقات روز است و اطلاعات منتشرشده، این جورچین را تکمیل می‌نماید. طبق دسته‌بندی برخی از اساتید، اطلاعاتی که برای ارزیابی و قیمت‌گذاری سهام استفاده می‌شود، به دودسته تقسیم می‌گردد (جنیدی، نوروزی، ۱۳۸۸: ۱۳۰):

الف) اخبار و اطلاعات کلی مربوط به اوضاع اقتصاد ملی و بین‌المللی که شرکت سرمایه‌پذیر، خواه‌ناخواه از آن متأثر است.

ب) اخبار و اطلاعات داخلی شرکت و نحوه سیاست‌گذاری و تغییرات آن.
بازار ثانویه، بازاری است که اوراق بهادار، پس از عرضه اولیه در آن مورد



دادوستد قرار می‌گیرند.^۱ شرکت‌های سهامی عامی که در این بازار پذیرفته شده‌اند مکلف‌اند تا گزارش‌ها و اطلاعات خود را برای عموم سرمایه‌گذاران افشاء نمایند. طبق ماده ۴۵ ق. ب.: «هر ناشری که مجوز انتشار اوراق بهادار خود را از سازمان دریافت کرده است، مکلف است حداقل موارد زیر را طبق د. اجرایی که توسط سازمان تهیه خواهد شد به سازمان ارائه نماید:

۱. صورت‌حساب‌های مالی سالانه حسابرسی شده؛
 ۲. صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای شامل صورت‌های مالی ۶ ماهه حسابرسی شده و صورت‌های مالی ۳ ماهه؛
 ۳. گزارش هیئت‌مدیره به مجامع و اظهارنظر حسابرس؛
 ۴. اطلاعاتی که اثر بااهمیتی بر قیمت اوراق بهادار و تصمیم سرمایه‌گذاران دارد.»
- در خصوص تصمیمات مهم هیئت‌مدیره نیز همان‌طور که در دسته‌بندی فوق ذکر شد، قانون‌گذار الزام به افشاء اطلاعات نموده است چرا که این تصمیمات، بعضاً به تغییرات اساسی و تأثیرگذار در قیمت سهام منجر خواهد شد مخصوصاً در زمان‌هایی که هیئت‌مدیره اختیاراتی را از جانب اساسنامه دریافت کرده باشد. اطلاعاتی که از هیئت‌مدیره شرکت‌ها می‌بایست افشاء گردد، موارد ذیل را مشمول می‌شود:
۱. افشاء دستور جلسه هیئت‌مدیره مبنی بر تصویب اجرای افزایش سرمایه ۱۰ روز پیش از برگزاری، در صورتی که این اختیار از جانب اساسنامه به هیئت‌مدیره اعطاء شده باشد.^۲
 ۲. افشاء فوری تصمیمات هیئت‌مدیره در خصوص افزایش سرمایه با قید فوق و همچنین متن صورت‌جلسه نهایی آن حداکثر ظرف ۳ روز کاری.^۳
 ۳. افشاء اطلاعات مربوط به جدول زمان‌بندی پرداخت سود نقدی پیشنهادی توسط

۱. مستند به بند ۱۰ ماده ۱ ق. ب.

۲. مستند به ماده ۱۱ د. اجرایی افشاء اطلاعات شرکت‌های ثبت‌شده نزد سازمان.

۳. همان.



هیئت مدیره، پیش از برگزاری مجمع عمومی عادی.^{۱۰}

۳. مواعد نسخ‌کننده

۳-۱. مدت زمان رسیدگی به تعهدات پذیرهنویسان

در قانون بازار اوراق بهادار در خصوص پذیرهنویسی و ثبت، سازمان بورس اوراق بهادار به عنوان نهادی که به مدارک و مستندات پذیرهنویسی شرکت سهامی عام در شرف تأسیس رسیدگی نموده و تأییدیه ثبت شرکت را صادر می‌نماید، مشخص شده است. با توجه به این موضوع، قابل پیش‌بینی است که برخی مقررات در این خصوص باهدف تطبیق سازکار با اهداف سازمان بورس، تغییر نماید. یکی از این موارد تغییر مدت زمان رسیدگی به تعهدات پذیرهنویسان است که به عنوان تأثیر تغییردهنده بورس بر شرکت مورد مطالعه است. در این خصوص، مطابق ماده ۱۶ ل.ا.ق.ت.: «مؤسسان حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیرهنویسان رسیدگی و پس از احراز این که تمام سرمایه شرکت صحیحاً تعهد گردیده و اقلاً سی و پنج درصد آن پرداخت شده است تعداد سهام هر یک از تعهد کنندگان را تعیین و اعلام و مجمع عمومی مؤسسين را دعوت خواهند نمود.» طبق این ماده، مؤسسان مهلت یک ماهه جهت رسیدگی دارند ولی این مهلت در تبصره ۲ ماده ۲۳ ق.ب. تقلیل یافته و طبق آن «ناشر موظف است حداکثر ظرف پانزده روز پس از اتمام مهلت عرضه عمومی، سازمان را از نتایج توزیع و فروش اوراق بهادار از طریق که سازمان معین خواهد نمود، مطلع نماید.» از آنجا که لازمه به دست آوردن نتایج نهایی، مستلزم رسیدگی به تعهدات است، با رعایت این ماده، مؤسسان پانزده روز جهت این امر فرصت دارند. ممکن است این ادعا مطرح شود که منظور از تبصره فوق، ارائه نتایج کلی که نشان‌دهنده تعداد سهام تعهد شده بدون توجه به تعیین سهم هر یک از اشخاص است، می‌باشد ولی این ادعا صحیح نیست چرا که با توجه به

۱۰. مستند به ماده ۱۲ د. اجرایی افشاء اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان



فلسفه وضع این امر، نحوه اطلاع به سازمان می‌بایست به صورتی باشد که امکان نظارت بر تمامی فرایندها را فراهم نماید که لازمه آن ارائه جزئیات پذیرهنویسی شامل لیست تمامی پذیرهنویسان به همراه تعداد سهام تعهد شده است تا بدین صورت، بررسی گردد که تعداد سهم هر پذیرهنویس از تعهدات مندرج تجاوز نکرده باشد، که سقف این تعهدات توسط دو مقوله قرارداد و قانون مشخص می‌گردد. سقف قراردادی در آگهی پذیرهنویسی، ذکر می‌گردد و برای هر شخص حقوقی و حقیقی به صورت جداگانه، حداکثر تعداد سهام معین می‌شود و سقف قانونی را می‌توان از مفاد ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی دریافت که سقف مجاز تملک سهام به طور مستقیم یا غیرمستقیم را برای هر شرکت سهامی عام یا تعاونی سهامی عام یا هر موسسه و نهاد عمومی غیردولتی ده درصد و برای اشخاص حقیقی و سایر اشخاص حقوقی پنج درصد تعیین نموده و معاملات بیش از سقف مجاز را باطل و بدون اثر دانسته است.

۲-۳. تغییر زمان استفاده از وجوه تأدیه شده توسط سرمایه‌گذاران

مبحث دیگری که ذیل این مبحث، قابل بررسی است حکمی است که در ماده ۲۲ ل.ا.ق.ت. در خصوص استفاده از وجوه تأدیه شده توسط سرمایه‌گذاران برای شرکت سهامی در شرف تأسیس، مورد تصریح قرار گرفته است. طبق این ماده «استفاده از وجوه تأدیه شده به نام شرکت‌های سهامی در شرف تأسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت و یا در موارد مذکور در ماده ۱۹». ماده ۱۹ ل.ا.ق.ت. نیز فرضی را در نظر گرفته است که مؤسسين پس از تسلیم اظهارنامه، شش ماه در خصوص ثبت شرکت اقدامی ننمایند، که در این صورت با درخواست هریک از مؤسسين یا پذیرهنویسان وجوه پرداختی مسترد می‌گردد. قانون بازار اوراق بهادار در این خصوص مقرره متفاوتی دارد که نتایج اجرایی آن بسیار محل مناقشه است. طبق تبصره ۳ ماده ۲۳ این قانون «استفاده



از وجوه تأدیه شده، پس از تکمیل فرایند عرضه عمومی توسط سازمان مجاز است.» در این تبصره، ملاک استفاده از این وجوه تکمیل فرایند عرضه عمومی ذکر شده است و طبق این سخن، پیش از ثبت و حتی پیش از تشکیل مجمع عمومی مؤسس، وجوه سرمایه‌گذاران قابل برداشت است؛ چرا که در تبصره پیشین همین ماده، قانون‌گذار مؤسسين را ملزم نموده است که پس از اتمام عرضه عمومی، نسبت به رسیدگی به وضعیت وجوه و سرمایه‌گذاران، طی پانزده روز اقدام نموده و این نشان‌دهنده آن است که عرضه عمومی قبل از تمامی این مراحل است.

در خصوص این تبصره، دو نظر وجود دارد که نظر اول بر نسخ مقرر ل. ا. ق. ت. در ماده ۲۲ است؛ نظری که هرچند از لحاظ نظری، صحیح‌تر می‌نماید ولی لازمه اجرایی سازی آن باهدف تأسیس نهاد بورس که حمایت از سرمایه‌گذاران است در تضاد است؛ چه آنکه به مؤسسين این اجازه را می‌دهد که قبل از تعیین تکلیف قطعی در خصوص تأسیس شرکت، از وجوه آن سوءاستفاده نمایند که این موضوع برخلاف صلاح و غبطه پذیره‌نویسان می‌باشد و می‌تواند عواقب مالی زیادی به همراه داشته باشد. نظر دوم در خصوص این تبصره که توسط اساتید محترم مطرح شده است، مبتنی بر قاعده "الجمع مهما امکن اولى من الطرح" است که جمع مفاد دو تبصره را در دستور کار قرار داده و تبصره قانون بازار اوراق بهادار را به این صورت تفسیر نموده که یکی از شرایط استفاده از وجوه را تکمیل فرایند عرضه عمومی است و رعایت شرط دیگری را که در لایحه قانونی ۱۳۴۷ نیز آمده است، لازم می‌داند. درواقع برای استفاده از وجوه تأدیه شده سرمایه‌گذاران، هم باید روند عرضه عمومی آن تکمیل شده و به تأیید سازمان بورس برسد و هم می‌بایست شرکت به ثبت رسیده باشد.

این نظریه، اگرچه از لحاظ عملی نتایج مثبتی دارد و می‌تواند از عواقب و آثار گفته‌شده، جلوگیری نماید ولی به نظر نگارنده نمی‌تواند مورد تأیید باشد. استدلالی که در خصوص این موضوع مطرح می‌گردد، آن است که جمع دو موضوع زمانی معنا پیدا می‌کند که این دو عنوان قبل از قانون‌گذاری، جمع نشده باشند. سخن آن است که تکمیل



فرایند عرضه عمومی، حتی پیش از قانون‌گذاری قانون بازار اوراق بهادار در دستور کار شرکت‌های در شرف تأسیس بوده است. درواقع همواره یکی از مراحل مقدماتی شرکت‌های سهامی عام برای ورود به مرحله تشکیل مجمع عمومی مؤسس و تصویب طرح تأسیس و اساسنامه و به دنبال آن ثبت شرکت، تکمیل فرایند پذیره‌نویسی می‌باشد و با عنایت به این امر، اگر قانون‌گذار اقدام به وضع نهادن شرطی که از قبل، لازم‌الاجرا بوده است بنماید کار بیهوده‌ای انجام داده است که این امر با حکیم بودن قانون‌گذار در تعارض است. حال با توجه به مطلب فوق نمی‌توان اقدام قانون‌گذار را در کاهش مراحل استفاده از وجوه تأدیه شده، به دلیل مصلحت و اینکه آثار و نتایج بهتری دارد، نادیده گرفت و به نظر نگارنده، با وجود قانون بازار اوراق بهادار، ماده ۲۲ ل. ا. ق. ت. در خصوص شرکت‌های سهامی عام پذیرفته‌شده نزد بورس، قابل اجرا نبوده و مؤسسين این شرکت‌ها مختارند تا از وجوه تأدیه شده صرفاً پس از تکمیل فرایند عرضه عمومی و البته تأیید سازمان بورس، استفاده نمایند هرچند با نتایج عملی و همچنین فلسفه حمایت از سرمایه‌گذاران، در تضاد باشد.

۳-۳. تغییر زمان بازپس‌گیری وجوه در صورت عدم افزایش سرمایه

شرکت‌های سهامی عام برای تأمین مالی فعالیت خویش و باهدف گسترش فعالیت‌های تجاری خود، تصمیم به افزایش سرمایه بگیرند که در این صورت طبق لایحه قانونی ۱۳۴۷ می‌توانند از دو طریق اقدام به این امر بنمایند. روش اول از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام ۱ در قانون پیش‌بینی شده است که به جهت وضع محدودیت‌های قانون‌گذار در خصوص اخذ موافقت تمامی سهام‌داران^۲ و همچنین تعیین سقف ده هزار ریالی

۱. ماده ۱۵۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷: سرمایه شرکت را می‌توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد.

۲. مستند به ماده ۹۴ و ۱۵۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷.



برای هر سهام ۱ معمولاً با استقبال کمتری مواجه می‌شود. روش دوم از طریق صدور سهام جدید است که خود از چهار شیوه دنبال می‌شود.

گاهی در خصوص پیشبرد رویه افزایش سرمایه از طریق صدور سهام جدید، اتفاق می‌افتد که پذیرهنویسی سهام جدید نیمه‌کاره می‌ماند و فرایند عرضه عمومی تکمیل نمی‌شود. در چنین شرایطی قانون‌گذار در ماده ۱۸۲ ل. ا. ق. ت. پیش‌بینی نموده است که هر زمانی افزایش سرمایه شرکت تا نه ماه پس از تاریخ تسلیم طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید، در مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت نرسد، به درخواست هر یک از پذیرهنویسان سهام جدید، مرجع ثبت شرکت، گواهی‌نامه‌ای حاکی از عدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر نموده و به بانک محل اخذ تعهد سهام و تأدیه وجوه ارسال می‌دارد تا پذیرهنویسان بتوانند با رجوع به آن بانک وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. قانون‌گذار بازار بورس، باهدف حمایت از سرمایه‌گذاران و دوری از اطاله روند این مهلت را کاهش داده است؛ چرا که با توجه به زمان‌بر بودن مدت عرضه اوراق بهادار و مشخص شدن میزان تعهدات آن در همان مدت، لزومی به صبر نمودن تا نه‌ماه پس از آن غیرمنطقی می‌نماید و ممکن است پذیرهنویسان در آن نه‌ماه، فرصت سرمایه‌گذاری‌های دیگر را از دست بدهند؛ بنابراین قانون‌گذار در تبصره ۴ ماده ۲۳ ق. ب. این مقرر را در خصوص شرکت‌های سهامی عام ثبت‌شده نزد بورس اوراق بهادار، تغییر داده است و طبق آن لازم نیست که سهام‌داران برای بازپس‌گیری سرمایه‌های خود تا پایان مهلت نه‌ماه منتظر بمانند، بلکه پس از توقف فرایند عرضه عمومی اوراق بهادار، ابتدا سازمان گواهی‌نامه‌ای حاکی از توقف یا عدم تکمیل فرایند عرضه عمومی به بانک ارسال نموده و سپس سهام‌داران می‌توانند پانزده روز سرمایه‌های خود را مسترد دارند.

۱. مستند به ماده ۲۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷.



۳-۴. تغییر مدت رسیدگی هیئت‌مدیره به تعهدات پذیرهنویسان

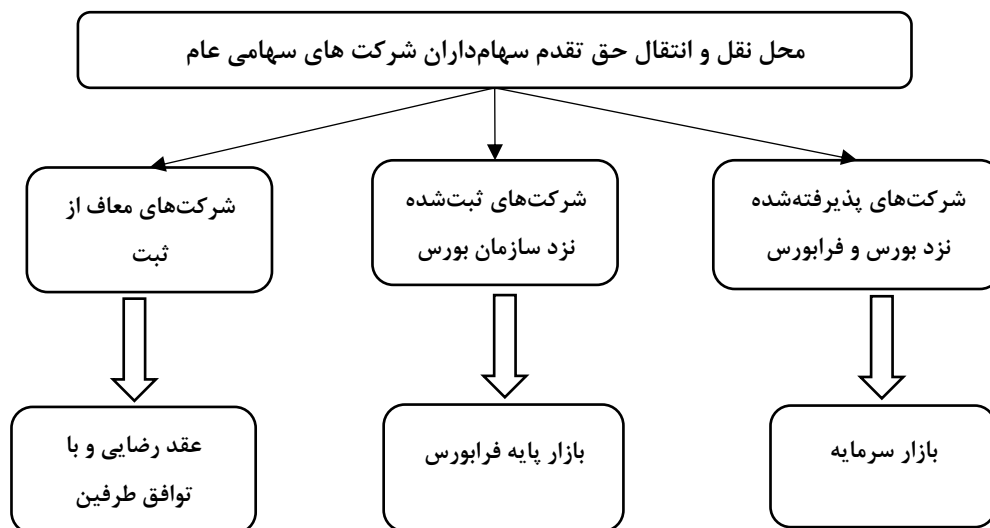
سهامداران شرکت‌های سهامی عام، مطابق ماده ۱۶۶ ل. ا. ق. ت. دارای حق تقدم در خرید سهام جدید شرکت می‌باشند. ماهیت حق تقدم، حقی مالی است که قانون‌گذار آن را به صاحبان سهام اعطاء نموده است و سهامداران می‌توانند در مهلت شصت‌روزه اعطاء شده مستند به ماده فوق، از آن استفاده نمایند. از آنجاکه این حق، مالی است، قابل نقل و انتقال، قابل اعراض و قابل سلب می‌باشد.

در صورتی که سهامداران، در مهلت داده‌شده توسط قانون‌گذار از حق تقدم خود استفاده ننمایند و همچنین اقدامی جهت انتقال آن به اشخاص ثالث نکنند، فرض بر آن نهاده می‌شود که سهامدار از حق خود اعراض نموده است. گواه این ادعا، ماده ۱۷۲ ل. ا. ق. ت. است که در صورتی که سهامدار در مهلت قانونی، از حق خود استفاده نکند تمام یا باقی‌مانده سهام جدید عرضه و به متقاضیان فروخته خواهد شد. همچنین این حق، قابلیت سلب توسط مجمع عمومی فوق‌العاده سهامداران، دارد. طبق ماده ۱۶۷ ل. ا. ق. ت.، این مجمع می‌تواند ضمن تصویب افزایش سرمایه، حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیرهنویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید سلب کند که البته این کار با تشریفات ویژه‌ای شامل قرائت گزارش هیئت‌مدیره و گزارش بازرسان صورت خواهد گرفت.

تشریفات شکلی و محل نقل و انتقال حق تقدم، پس از تشکیل بازار سرمایه و تصویب قانون بازار اوراق بهادار تحت تأثیر قرار گرفت و دچار تغییراتی شد. درواقع در حال حاضر، انتقال حق تقدم بسته به جایگاه شرکت در بازار سرمایه متفاوت است. در این مبحث برخلاف مباحث مربوط به ثبت و اعلامیه پذیرهنویسی، این‌گونه نیست که موضوع مطلق باشد و در هر صورت برای انتقال سهام، نیاز به مراجعه به بورس باشد بلکه دارای تفاوت از حیث شکل است. چنانچه شرکت، از جمله شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و فرابورس باشد، نقل و انتقال حق تقدم آن به اشخاص ثالث از طریق بازار صورت می‌گیرد؛ ولی در خصوص دیگر شرکت‌های سهامی عام (به‌استثناء موارد معاف از ثبت) از آنجاکه حق تقدم نیز از اوراق بهادار محسوب می‌گردد و بنا بر اطلاق



ماده ۲۰ ق. ب.، کلیه این شرکت‌ها موظف به ثبت خود نزد سازمان بورس می‌باشند، انتقال حق تقدم و معاملات مربوط به سهام ایشان، در بازار پایه فرابورس انجام می‌پذیرد (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۳۱). در خصوص شرکت‌های معاف از ثبت نزد سازمان، انتقال حق تقدم ایشان بدون هیچ‌گونه تشریفات و به‌صورت عقد رضایی با توافق طرفین صورت می‌گیرد (میرحسینی، ۱۳۹۳: ۴۵).



شکل ۱- محل نقل و انتقال حق تقدم سهام‌داران شرکت‌های سهامی عام

پس از اتمام مهلت پذیرهنویسی، هیئت‌مدیره موظف به بررسی تعهدات و وجوه تأدیه شده است تا روند افزایش سرمایه به نتیجه برسد. مطابق ماده ۱۸۱ ل. ا. ق. ت.: «پس از گذشتن مهلتی که برای پذیرهنویسی معین شده است و در صورت تمدید بعد از انقضای مدت تمدیدشده، هیئت‌مدیره حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیرهنویسان رسیدگی کرده و تعهدات سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مراتب را جهت ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکت‌ها اطلاع خواهد داد. هرگاه پس از رسیدگی به اوراق



پذیره‌نویسی مقدار سهام خریداری‌شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد، هیئت‌مدیره مکلف است ضمن تعیین تعداد سهام هر خریدار دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری‌شده را به بانک مربوطه بدهد.» طبق این ماده، قانون‌گذار به هیئت‌مدیره مهلت یک‌ماهه جهت بررسی تعهدات داده است؛ ولی پس از تصویب قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴ به نظر می‌رسد مدت مذکور در ماده ۱۸۱ ل. ا. ق. ت. با لحاظ تبصره ۲ ماده ۲۳ ق. ب. که ناشر را موظف نموده که ظرف مدت پانزده روز سازمان را از نتایج مطلع سازد، نسخ شده است؛ هرچند این مهلت تنها در خصوص مطلع نمودن سازمان بورس تغییر نموده و در خصوص اطلاع به مرجع ثبت شرکت‌ها، مهلت هیئت‌مدیره همان یک ماه مندرج در ماده ۱۸۱ ل. ا. ق. ت. است.

۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله مطابق با نظریه اجتماعی بودن علم حقوق که بر اساس آن، قوانین و مقررات را مجموعه‌ای از اعتباریات ذهنی انسان‌ها با هدف برقراری عدالت اجتماعی و ایجاد نظم میان افراد جامعه می‌داند، اقدام به مطالعه تأثیرات قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ بر مقررات شرکت‌های سهامی عام در خصوص مواعد قانونی لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ نمودیم؛ چرا که طبق این نظریه، هر قانونی می‌تواند در جهت هدف تعریف‌شده، تغییر، توسعه یا انعطاف پذیرد.

در پژوهش حاضر، تغییرات مواعد قانونی مربوط به تشکیل یا اداره شرکت‌های سهامی عام مورد بررسی قرار گرفت. مواعد تأسیسی، مواعدی است که از ابتدا در لایحه قانونی ۱۳۴۷، در خصوص آن مقرره‌ای وضع نشده بود و در قانون بازار ۱۳۸۴ برای نخستین بار، مورد قانون‌گذاری قرار گرفته‌اند. تعیین مدت در خصوص پذیره‌نویسی، باز پس دادن وجوه سرمایه‌گذاران و افشاء اطلاعات هیئت‌مدیره در این دسته‌بندی می‌گنجد. مواعد نسخ‌کننده، مواعدی را شامل می‌شود که در لایحه قانونی ۱۳۴۷ دارای موعد بوده‌اند ولی این مواعد در قانون بازار ۱۳۸۴ مورد نسخ قانون‌گذار



قرار گرفته و تغییر یافته است. مدت زمان رسیدگی به تعهدات پذیرهنویسان، زمان استفاده از وجوه تأدیه شده توسط سرمایه‌گذاران، زمان بازپس‌گیری وجوه در صورت عدم افزایش سرمایه و زمان رسیدگی هیئت‌مدیره به تعهدات پذیرهنویسان، مصادیق مواعد تعیین‌شده در قانون بازار مصوب ۱۳۸۴ می‌باشند.

عموم این تغییرات با دو هدف به وجود آمده است؛ هدف نخست حفظ حقوق سهام‌داران و جلوگیری از تضییع حق ایشان بوده است بدین نحو که چنانچه در این موضوعات، موعدهی تعیین نشود، طولانی شدن مدت یا دادن اختیار تعیین مدت به مؤسسان که ممکن است ذی‌نفع باشند، حقوق پذیرهنویسان یا سهام‌داران فعلی را مورد آسیب قرار دهد مانند آنچه در موضوع تعیین زمان جهت باز پس دادن وجوه در فرض عدم تکمیل سرمایه شاهد می‌باشیم. هدف دوم، جلوگیری از ایجاد بی‌نظمی و تعلل در رسیدگی امور شرکت و همچنین تقویت نقش نظارتی سازمان بورس اوراق بهادار می‌باشد که گرچه اشخاصی از این موضوع بهره‌ای نبرند ولی به تمرکز نظارت این سازمان برای رصد فعالیت‌های اقتصادی و تجاری کمک شایانی می‌نماید مانند آنچه در تعیین مدت زمان افشاء اطلاعات هیئت‌مدیره، دیده می‌شود.

۵. منابع

الف) کتاب‌ها

۱. اسکینی، ربیعا، (۱۳۹۳). حقوق شرکت‌های تجاری، جلد اول، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات سمت.
۲. پاسبان، محمدرضا، (۱۳۸۷). حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.
۳. دمرچیلی، محمد، (۱۳۹۸). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی با مقدمه بهروز اخلاقی و ناصر کاتوزیان، چاپ بیست و هفتم، تهران، انتشارات میثاق عدالت.
۴. سلطانی، محمد، (۱۳۹۶). حقوق بازار سرمایه، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.



- پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی و دانشگاه شهید بهشتی.
۵. سلطانی، محمد؛ مرضیه خلیلی؛ لیلا سهرابی و زینب فلاح تفتی، (۱۳۹۳). بایسته‌های حقوق بازار سرمایه (اصول)، چاپ دوم، تهران، انتشارات بورس.
۶. شمس، عبدالله، (۱۳۹۴). آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، جلد ۲، چاپ سی و ششم، تهران، انتشارات دراک.
۷. عرفانی، محمود، (۱۳۸۸). حقوق تجارت، جلد دوم، چاپ اول، تهران، نشر جنگل.
۸. عیسائی تفرشی، محمد، (۱۴۰۰). مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، جلد ۱، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۹. عیسائی تفرشی، محمد، (۱۴۰۰). مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، جلد ۲، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۲). اعمال حقوقی، چاپ دهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۴). درس‌هایی از عقود معین، جلد اول، چاپ بیست و دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۴.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۶). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ پنجاه و چهارم، تهران، نشر میزان.
۱۳. معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، (۱۳۹۷). مجموعه تنقیحی قانون مدنی، چاپ یازدهم، تهران، اداره چاپ و انتشار معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.

ب) قانون

۱۴. لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷.

۱۵. قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴.

ج) مقاله‌ها و طرح‌های پژوهشی

۱۶. جنیدی، لعلیا و محمد نوروزی، (۱۳۸۸). «شناخت ماهیت اطلاعات نهانی در بورس



- اوراق بهادار»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸، صفحه ۱۲۹ تا ۱۴۷.
۱۷. سلطانی، محمد، (۱۳۸۹). «قواعد حاکم بر تشکیل شرکت‌های سهامی عام در پرتو قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب آذر ۱۳۸۴»، نشریه پژوهش‌های حقوقی، دوره ۹، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۹، صفحه ۴۳۷ تا ۴۵۸.
۱۸. صفاریان، مریم، (۱۳۸۱). «سیاست‌ها و الزام‌های افشای اطلاعات در بازار سرمایه ایران»، مجله بورس، شماره ۳۴، بهمن ۱۳۸۱، صفحه ۱۷ تا ۲۳.
۱۹. نوروزی، یعقوب و محسن شمس الهی، (۱۴۰۰). «ماهیت حقوقی تعهد پذیره‌نویسی»، دوماهنامه بررسی‌های بازرگانی، ۱۹، شماره ۱۰۷، صفحه ۱۲۵ تا ۱۴۱.

د) پایان‌نامه‌ها

۲۰. قنبری، محمدحامد، (۱۴۰۰). تأثیرات قوانین و مقررات بورس اوراق بهادار بر مقررات شرکت‌های سهامی عام، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، خرداد ۱۴۰۰.
۲۱. جعفری، محمدرضا، (۱۳۸۱). حقوق بورس اوراق بهادار در ایران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
۲۲. میرحسینی، رقیه، (۱۳۹۳). قواعد اختصاصی حاکم بر شرکت‌های سهامی عام ثبت‌شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۱۳۹۳.



The Effects of the Stock Market Act 2005 on the Legal Deadlines Contained in the Trade Bill 1968

Mohammad Hamed Ghanbari^۱, Mohammad Issaei Tafreshi^{۲*}

1. Master of Private Law, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
2. Professor in Private Law, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Receive: 2023/08/19

Accept: 2023/12/28

Abstract

The contents of the Legal Bill to amend a part of the Trade Law act 1968 which have been affected by the Stock Market act 2005 in the realm of legal deadlines in relation to the regulations of public joint-stock companies as one of the most important elements in the stock market, have undergone changes. These changes have been studied in the present research in two categories: Institutional and abrogator categories. Institutional issues include cases for which basically no deadline has been established in the Legal Bill Act 1968 and was considered for the first time in the Stock Market Act 2005, and the abrogator cases are those deadlines for which due date has been assigned and by approving the Stock Market Act 2005 has been abrogated. The philosophy of the mentioned effects, both in the field of institution and abrogation, can be found in the goal of the legislator to protect the rights of shareholders and the transparency of capital market information. Determining the period of subscription, determining the period to return the funds, the period for dealing with the obligations of the subscriber, changing the time for using the funds paid by investors, changing the time for withdrawing the funds in case of no increasing the capital, changing the period for the board of directors to deal with the obligations of the underwriters, and determining the period for disclosure of the board of directors' decisions, are the dates studied in this research.

Keywords: Stock Market, Joint-Stock Company, Market Law, Legal Bill, Legal Deadlines, Abrogating Some Articles of the Legal

*Corresponding author: tafreshi@modares.ac.ir